

ارتباط انفاق و رشد اقتصادی در ایران*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۶

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۲

امیر خادم‌علیزاده

مصعب عبدالهیی آرانی

حسین غفورزاده

چکیده

در ادبیات اقتصاد متعارف، مطالعات گسترده‌ای درباره عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی صورت گرفته است؛ مطالعات نظری و تجربی انجام گرفته از سوی اقتصاددانان سبب شده است متغیرهای گوناگونی به عنوان عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی معرفی شوند. با دقت در منابع اسلامی روشن می‌گردد علاوه بر عناصر متون اقتصاد متعارف، نصوص دینی انفاق را نیز یکی از عوامل افزایش درآمد و دارایی‌ها معرفی می‌کنند؛ نصوص دینی، انفاق را نه تنها موجب کاهش اموال نمی‌دانند، بلکه آن را موجب حفظ و رشد اموال در دنیا و سبب اجر معنوی و پاداش اخروی برای انفاق‌کننده قلمداد می‌کنند.

بر این اساس مقاله حاضر با استفاده از روش مدل خودتوضیح برداری (VAR) و آزمون علیت گرنجری به دنبال آزمون این فرضیه است که «ارتباط علی دو طرفه میان انفاق و رشد اقتصادی وجود دارد»؛ در این راستا از دو متغیر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۸۳ و لگاریتم جمع کل درآمدهای اختصاصی و وجوهات کمیته امداد حضرت امام علیه السلام به عنوان شاخصی از انفاق در اقتصاد ایران برای دوره ۱۳۶۶-۱۳۹۲ استفاده شد. بر اساس آزمون دیکی-فولر هر دو متغیر در سطح، پایا بوده و وقفه یک به عنوان وقفه بهینه به دست آمد؛ در نهایت فرضیه اصلی مقاله مبنی بر وجود ارتباط علی دو طرفه میان انفاق و رشد اقتصادی در ایران بر اساس آزمون علیت گرنجری تأیید شد.

واژگان کلیدی: انفاق، رشد اقتصادی، مدل خودتوضیح برداری (VAR)، آزمون علیت گرنجری.

طبقه‌بندی JEL: A13, E1, O44, Z12

*** مقاله پیش رو برگرفته از رساله دکترای حسین غفورزاده با عنوان «اصول اقتصاد اثباتی در قرآن و سنت و تبیین مبانی آن» است که به بررسی و تحلیل یک گزاره اقتصادی اثباتی در نصوص دینی می‌پردازد.

*** استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی علیه السلام (نویسنده مسئول). Email: aalizadeh@atu.ac.ir.

*** استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور ایران. Email: raveshetahghigh1395@gmail.com.

*** دانشجوی دکترای فلسفه اقتصاد اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی علیه السلام.

Email: hghafoorzadeh@yahoo.com.

مقدمه

شناسایی عوامل رشد اقتصادی، یکی از موارد بحث صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان اقتصاد بوده است؛ سیر نظریه‌پردازی‌ها در مدل‌های رشد نیز مؤید آن است که اگرچه در مراحل آغازین، به سرمایه فیزیکی و انسانی توجه شده است، ولی در طول زمان، عوامل دیگری به عنوان عوامل تبیین‌کننده رشد اقتصادی از سوی اقتصاددانان معرفی شده‌اند.

در ادبیات اقتصادی معمولاً مدل‌های رشد اقتصادی را به دو دسته مدل‌های رشد برون‌زا (مدل‌های رشد نئوکلاسیک) و درون‌زا تقسیم می‌کنند؛ مدل‌های رشد برون‌زا پیشرفت تکنولوژی را به عنوان عامل برون‌زا و انباشت سرمایه را به عنوان عامل درون‌زای رشد تولید در نظر می‌گیرند؛ در مدل‌های رشد نئوکلاسیک مانند مدل سولو، رشد اقتصادی از طریق انباشت عوامل تولید به دلیل بازده نزولی، پایدار نخواهد بود و وجود عامل بهره‌وری لزوم رسیدن به رشد بلندمدت است؛ در این الگوها به‌طورکلی رشد اقتصادی به انباشت سرمایه فیزیکی و پیشرفت فنی برون‌زا نسبت داده می‌شود که در آن نرخ جمعیت پایین‌تر و سطح فناوری بالاتر، نرخ رشد کوتاه‌مدت را افزایش می‌دهد؛ از این‌رو برای رسیدن به رشد بلندمدت، پیشرفت فنی را باید به صورت برون‌زا وارد مدل کرد.

در دهه ۱۹۹۰ اقتصاددانانی چون رومر (Romer, 1990)، گروسمن و هلپمن (Grossman & Helpman, 1991)، آقیون و هویت (Aghion and Howitt, 1992)، الگوهای رشدی طراحی نمودند که در وضعیت ثابت بودن سرمایه فیزیکی و نیروی کار می‌توانند نشان‌دهنده رشد اقتصادی باشند؛ ویژگی اصلی این الگوها که به مدل‌های رشد درون‌زا شهرت یافتند؛ حذف بازدهی‌های نزولی نسبت به مقیاس بود؛ در این الگوها نقش فناوری به وسیله ویژگی‌های مختلفی همچون ویژگی‌های شخصیتی، آگاهی انباشته، مخارج تحقیق و توسعه و منابع پایان‌پذیر و پایان‌ناپذیر تعیین شده است. رشد درون‌زا با تأکید بر این نکته که رشد اقتصادی، پیامد نظام اقتصادی است؛ نه نتیجه نیروهای واردشده از خارج، خود را از رشد نئوکلاسیکی متمایز می‌سازد. آنها فعالیت‌های مبتنی بر نوآوری با جهت‌گیری تجارت در واکنش به محرکه‌های اقتصادی را به عنوان موتور اصلی پیشرفت

تکنولوژی و رشد اقتصادی در نظر می‌گیرند؛ این مدل‌ها نیز به دو دسته مدل‌های رشد مبتنی بر تحقیق و توسعه و مدل‌های رشد درون‌زای مبتنی بر سرمایه تقسیم می‌شوند (مهرگان و سلطانی، ۱۳۹۳، ص ۳).

بنابراین، امروزه موارد گوناگونی به عنوان عوامل رشد مدنظر قرار می‌گیرد؛ ولی افزون بر عناصر یادشده در متون اقتصاد متعارف، با دقت در گزاره‌های اثباتی اقتصادی اشاره‌شده در منابع اسلامی روشن می‌گردد برخی از نصوص، انفاق را عاملی مهم در افزایش دارایی‌ها می‌دانند؛ البته ممکن است بخشی از گزاره‌های اقتصادی ذکرشده در منابع اسلامی - نظیر اینکه «اگر مالی در راه خداوند ﷻ خرج شود، خداوند متعال ﷻ آن را دوچندان می‌کند» (بقره: ۲۴۵) که بر وجود روابط علی بین پدیده‌های اقتصادی دلالت می‌کند - از دیدگاه علم اقتصاد متعارف، ناشناخته باشد؛ ولی دلیل آن، تفاوت در مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف است؛ با این حال، اندیشمندان اسلامی به تحلیل این‌گونه نصوص اقتصادی کمتر توجه داشته‌اند؛ پس ضرورت دارد به گزاره‌های اقتصادی اثباتی در متون اسلامی توجه شود و از آنها برای تدوین علم اقتصاد اسلامی استفاده گردد. نتایج تحقیق حاضر نیز می‌تواند به شناخت انفاق به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی و نیز لزوم فرهنگ‌سازی نسبت به افزایش انفاق در جامعه کمک کند؛ بنابراین با در نظر گرفتن گزاره «اگر انفاق افزایش یابد، خداوند ﷻ آن را افزایش می‌دهد» در نصوص دینی، می‌توان این سؤال را مطرح نمود که آیا افزایش انفاق در جامعه سبب رشد اقتصادی می‌شود؟

هدف مقاله پیش رو آزمون این فرضیه است که «انفاق بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است». ساماندهی پژوهش نیز به صورت زیر است: پس از مقدمه، ادبیات پژوهش به تبیین مفهوم انفاق و رشد اقتصادی می‌پردازد؛ بخش سوم مقاله، عوامل مؤثر بر رشد در نظریات اقتصادی و نیز رابطه انفاق و رشد اقتصادی را بر اساس آیات و روایات بررسی می‌کند؛ ارائه و برآورد مدل تجربی بر اساس آمارهای موجود و روش اقتصادسنجی در بخش چهارم صورت می‌گیرد و در پایان با خلاصه و نتیجه‌گیری سامان می‌یابد.

۱. ادبیات پژوهش

در این بخش مفاهیم اساسی و پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) مفاهیم اساسی

با توجه به اینکه از دو متغیر «انفاق» و «رشد اقتصادی» به‌طور وسیعی در پژوهش پیش رو استفاده می‌شود، لازم است به مفهوم کلی آنها اشاره گردد.

رشد اقتصادی

رشد اقتصادی مهم‌ترین عنصر و موتور محرکه توسعه اقتصادی است؛ رشد به گفته کوزینتس افزایش مداوم درآمد سرانه یا تولید سرانه نیروی کار که غالباً همراه با افزایش جمعیت و معمولاً با تغییرات زیربنایی همراه است، می‌باشد؛ وی در سخنرانی خود برای دریافت جایزه نوبل تعریف کامل‌تری ارائه کرده و می‌گوید: «رشد اقتصادی، افزایش بلندمدت ظرفیت تولید به منظور افزایش عرضه کل است تا بتوان نیازهای جمعیت را تأمین کرد و افزایش ظرفیت بلندمدت تولید به پیشرفت‌های نوین فنی و تطبیق آن با شرایط نهادی و ایدئولوژیک مورد تقاضای آن بستگی دارد (قره‌باغیان، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۹۶).

مباحث رشد بیشتر به دنبال این هستند که بدانند چرا در چند قرن اخیر استاندارد زندگی در کشورهای صنعتی به سطحی رسیده است که پیشینیان هرگز تصور آن را نمی‌کردند و چرا با وجود رشد، تفاوت‌هایی در استاندارد زندگی مردم در جهان وجود دارد به طوری که متوسط درآمد واقعی در کشورهایی مانند ایالات متحده، آلمان و ژاپن ده تا بیست برابر متوسط درآمد واقعی کشورهایی مانند بنگلادش و کنیا می‌باشد (Romer, 2006, p.7).

پیشینه نظریه‌های رشد اقتصادی به مارشال (۱۸۹۰) و شومپتر (۱۹۴۲) برمی‌گردد؛ درعین حال تعریف رشد اقتصادی و اصول اولیه برای پژوهش در زمینه رشد اقتصادی بهینه به شکل امروزی توسط رمزی (۱۹۲۸) ارائه شده است (جلال‌آبادی و بهرامی، ۱۳۸۹، ص ۲۸)؛ البته رومر بر این باور است که الگوی سولو نقطه آغاز تمامی تحلیل‌های رشد می‌باشد و حتی الگوهایی را که در اساس با آن تفاوت دارند، می‌توان در مقایسه با این الگو بهتر درک کرد (Romer, 2006, p.9).

شایان گفتن است بر اساس منابع دینی رشدی که بر اثر انفاق حاصل می‌شود شامل رشد مادی و معنوی می‌شود؛ برای نمونه خداوند متعال ﷻ در آیه ۲۶۱ سوره بقره وعده داده که انفاق را هفتصد برابر رشد دهد و مقید به دنیا یا آخرت نیز نکرده است؛ بنابراین معنای رشد در متون دینی می‌تواند شامل رشد دنیوی و اخروی شود؛ ولی آنچه در این مقاله مدنظر قرار می‌گیرد و به دنبال برآورد آن هستیم، رشد مادی حاصل از افزایش انفاق است.

مفهوم انفاق و گستره آن

«انفاق» مصدر باب افعال، از ریشه نفق و به معنای پرداختن بخشی از آنچه خداوند ﷻ به انسان روزی کرده در راه اوست؛ چه به عنوان زکات که واجب است و چه به عنوان صدقه که مستحب است؛ زیرا در قرآن کریم «انفاق» به معنای زکات نیز به کار رفته است (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ص ۳۱۲).

در قاموس قرآن هم این‌طور آمده که «انفاق» یعنی خرج مال در راه خداوند ﷻ اعم از واجب و مستحب و از چیزهایی است که قرآن و روایات درباره آن بسیار تشویق کرده‌اند و یکی از اسباب تعدیل ثروت و پرکردن شکاف جامعه‌هاست (قرشی، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۹۸).

«انفاق» در زبان عربی به معنای مطلق خرج کردن مال است و «انفاق خیری»، اخص از آن است. در آیات قرآن کریم نیز در برخی از مواردی که واژه انفاق استفاده شده است، معنای عام انفاق مدنظر است؛ نظیر آیه ۶۷ سوره فرقان که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» که کلمه «انفاق» به معنای بخشیدن مال و صرف کردن آن در رفع نیازهای خویشان و یا دیگران است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۳۲)؛ ولی آنچه مدنظر این مقاله است مواردی می‌باشد که به انفاق خیری دلالت دارد؛ نظیر آیه «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۱۵) که آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه آن چیزی که باید انفاق شود مال است؛ حال هرچه می‌خواهد باشد، چه کم و چه زیاد و اینکه این عمل، عمل خیری است و خدا بدان آگاه است (همان، ج ۲، ص ۱۶۱) زحیلی در تفسیر این آیه می‌گوید: دوستی دنیا موجب شقاق می‌شود و مؤمنان واقعی کسانی هستند که سختی‌ها را

در اموال و جان‌ها به خاطر رضایت خداوند عزوجل متحمل می‌شوند؛ پس مناسب است مطالبی بیان شود که انسان را در زمینه انفاق در راه خداوند عزوجل تشویق نماید؛ چون کسب و انفاق، صبر و سماحت (بخشندگی و گذشت) را می‌طلبند و بخشش مال مانند بخشش جان، از نشانه‌های ایمان می‌باشد (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۵۷)؛ آیه ۲۱۹ سوره بقره «وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْغَفْو» نیز بر همین معنا دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۹۴).

قلمرو انفاق در قرآن گسترده است؛ افزون بر کاربرد وسیع واژه انفاق و مشتقات آن در قرآن، در بسیاری از موارد واژگانی چون زکات، صدقه، قرض‌الحسنه و اطعام نیز در معنای انفاق آمده‌اند. انفاق، هم به آثار توزیعی و کمک به دهک‌های پایین درآمدی و هم به تکامل و تطهیر روحی شخص انفاق‌کننده نظر دارد؛ توأم بودن نماز و زکات در بیش از ده‌ها آیه، مؤید این مدعاست (خادم‌علیزاده، ۱۳۹۲، ص ۲۲۲)؛ ولی آنچه هدف اساسی این مقاله را تشکیل می‌دهد توجه به بُعد مادی و اثرات اقتصادی انفاق است.

ب) پیشینه علمی پژوهش

صدقه و کمک‌های خیرخواهانه حتی در ادبیات اقتصاد کلاسیک نیز مورد بحث بوده است؛ در میان اقتصاددانان کلاسیک، رابرت مالتوس در ارتباط با راه‌حل مبارزه با فقر و نابرابری، در برابر بحث صدقه و احسان موضع‌گیری می‌کند؛ وی هرگونه پرداخت پولی به صورت کمک برای حل مسئله فقر را رد می‌کند و به‌شدت قانون کمک‌های اجباری را که از زمان ملکه الیزابت مقرر شده بود، مورد انتقاد قرار می‌داد؛ زیرا از نظر وی کمک‌های خیریه، ثروتی پدید نمی‌آورند و وسیله امرار معاش هیچ فقیری نمی‌شود (ژید و ریست، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۰۸). در واقع، مالتوس خواهان لغو تدریجی مقررات مربوط به فقیران و مخالف هر نوع کمک رسمی و منظمی است که برای مردم بی‌بضاعت توقع پدید آورد؛ ولی درعین‌حال وی منکر اثرهای نیک کمک‌های پراکنده و اتفاقی که به‌موقع و مناسب انتخاب شده باشند، نیست (همان، ص ۲۰۸-۲۰۹)؛ اما با وجود این دیدگاه مخالف، رابرت شوارتز (Robert Schwartz, 1970) کمک‌های نوع‌دوستانه شخصی را تحلیل کرده، به‌گونه‌ای که این رفتار افراد را بر پایه پی‌جویی مطلوبیت شخصی استوار ساخته است.

در مورد اثر متغیرهای اقتصاد کلان بر انفاق پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ ولی با بررسی مطالعات اقتصادی روشن شد که درباره تأثیر انفاق بر رشد اقتصادی تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است؛ بنابراین پژوهش پیش رو، تحقیقی بی‌پیشینه است؛ ولی برخی از پژوهش‌هایی که مرتبط با این موضوع می‌باشند عبارت‌اند از:

۱. مطالعه‌های داخلی

حسینی (۱۳۷۹) در کتاب *الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان* در استخراج الگوهای تخصیص درآمد فرد مسلمان علاوه بر مخارج مصرفی، الگوی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به الگوی مشارکت‌های اجتماعی نیز می‌پردازد و بهترین مصداق آن را در قرآن و احادیث، «انفاق فی سبیل الله» معرفی می‌کند؛ همچنین ایشان به کارکردهای اقتصادی الگوی تخصیص درآمد فرد مسلمان اشاره می‌کند و افزایش اشتغال، رشد اقتصادی، کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد و ... را از جمله مهم‌ترین آثار اقتصادی الگوهای تخصیص درآمد فرد مسلمان معرفی کرده و به تحلیل این روابط می‌پردازد.

درخشان و نصراللهی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل اثر توسعه بخش سوم اقتصاد بر شاخص‌های اقتصادی و راهکارهای توسعه آن در ایران» توسعه بخش سوم اقتصاد (وقف و امور خیریه) را به عنوان راهکاری برای اجرای اقتصاد اسلامی و با استفاده از ظرفیت‌های اقتصاد مردمی معرفی می‌کند؛ این مقاله به روش کتابخانه‌ای با ارائه مدلی مفهومی تعامل بخش سوم را با دو بخش دیگر اقتصاد تفسیر کرده و با استفاده از تحلیل آماری اثر رشد و توسعه بخش سوم اقتصاد بر شاخص‌های اقتصادی مانند رشد تولید ناخالص داخلی (GDP)، شاخص توسعه انسانی (HDI) تحلیل شده است؛ نتایج گویای آن است که رشد بخش سوم اقتصاد اثر مثبت و قابل توجهی بر تولید ناخالص داخلی و شاخص توسعه انسانی دارد.

خادم‌علیزاده و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «اثر سرمایه دینی بر رشد اقتصادی در ایران» از هزینه مراسم مذهبی خانوار (SR) و صدقات (SCHA) به عنوان مؤلفه‌هایی برای سنجش شاخص سرمایه مذهبی در مدل رشد پیشنهادی استفاده کرده‌اند.

۲. مطالعه‌های خارجی

متولی (Metwally, 1983) در مقاله «سیاست مالی در اقتصاد اسلامی» نشان می‌دهد که پرداخت زکات سبب افزایش مصرف کل می‌شود؛ چون میل نهایی به مصرف پرداخت‌کنندگان زکات کمتر از دریافت‌کنندگان زکات است و این به معنای آن است که پرداخت زکات در تعیین درآمد ملی نقش دارد و هرچه مقدار زکات بالاتر باشد، میزان درآمد ملی تعادلی بالاتر خواهد رفت.

طاهر (Tahir, 1989) در مقاله «به سوی نظریه‌ای برای تعیین تولید کل، درآمد کل و نابرابری‌های اقتصادی در یک اقتصاد اسلامی» به معرفی زکات در مدل اقتصاد کلان اسلامی با تمرکز بر تعیین تولید کل در ارتباط با درجه‌ای از نابرابری در یک اقتصاد اسلامی پرداخته و نشان می‌دهد تولید کل به مخارج مستقل، توزیع درآمد و جریان زکات بستگی دارد.

باروچ و دیگران (Baruch & et al., 2010) بر این باورند مطالعه‌شان برای نخستین بار است که صریحاً به بررسی رابطه علیت بین فعالیت‌های خیرخواهانه و انسان‌دوستی و عمل‌کرد مالی شرکت و سازوکار ویژه این رابطه می‌پردازد؛ این مطالعه با استفاده از نمونه بزرگی از کمک‌های خیریه شرکت‌های دولتی آمریکا از سال ۱۹۸۹-۲۰۰۰ و با استفاده از آزمون علیت گرنجر به این نتیجه رسیده است که کمک‌های خیریه به میزان قابل توجهی مرتبط با رشد درآمد در آینده است؛ به نظر ایشان کمک‌های خیریه مؤثرترین عامل افزایش درآمد در بخش‌های مصرف‌کننده مانند خرده‌فروشان و خدمات مالی می‌باشد؛ البته فعالیت‌های خیرخواهانه ممکن است غیر از افزایش رشد فروش و افزایش بهره‌وری کارکنان، سرمایه‌گذاری اجتماعی را نیز هدف قرار دهد.

هینمان (Heinemann, 2010) در مقاله «پرداخت‌های داوطلبانه و رشد اقتصادی: شواهد سری زمانی برای ایالات متحده» به دنبال تعیین حساسیت پرداخت‌های داوطلبانه ایالات متحده به نوسانات چرخه تجاری و روند رشد است؛ یافته کلی این پژوهش به این صورت است: درحالی‌که به صورت فردی و به‌ویژه پرداخت‌های شرکتی نسبت به نوسانات دوره‌ای بسیار حساس هستند؛ ولی بنیاد سخاوتمندی و خیریه نسبت به دوره‌های تجاری

تمایل به ثبات دارند. این تابع بافر دوره‌ای (Cyclical Buffer Function) خیریه و بنیاد سخاوتمندی تاکنون در ادبیات نادیده گرفته شده است.

۲. مبانی نظری پژوهش

در این بخش ابتدا رابطه انفاق و رشد اقتصادی در منابع دینی و سپس تحلیل اقتصادی آن صورت می‌گیرد:

الف) رابطه انفاق و رشد اقتصادی در قرآن و حدیث

در ظاهر به نظر می‌رسد انفاق از اموال می‌کاهد؛ ولی قرآن و روایات نقل شده از پیامبر گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، نه تنها آن را موجب کاهش اموال در این دنیا نمی‌دانند، بلکه آن را موجب حفظ و رشد اموال و رزق در همین دنیا معرفی می‌کنند؛ ضمن اینکه از اجر معنوی و پاداش اخروی برخوردار است. عبارتهای به کاررفته در قرآن و احادیث یا به عبارت دیگر رویکرد آیات و احادیث در این زمینه رویکرد دستوری نیست، بلکه رویکردی اثباتی است و اشاره به یک گزاره اثباتی که سنت الهی است، دارد. قرآن کریم در آیات زیر، انفاق را موجب افزایش مال می‌داند:

۱. «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِثَّةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۱): مَثَل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد و خداوند برای هرکس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند و خداوند گشایشگر داناست.

این آیه مثلی را که آورده مقید به آخرت نکرده؛ پس هم شامل دنیا می‌شود و هم شامل آخرت؛ فهم عقلایی هم این مطلب را تأیید می‌کند؛ برای اینکه کسی که از دسترنج خود چیزی انفاق می‌کند، هر چند ابتدا ممکن است به قلبش خطور کند که این مال از دستش رفت، ولی جامعه انسانی به منزله تن واحد و دارای اعضای مختلف است؛ پس یک فرد از جامعه، اگر دچار فقر و نیاز شد و ما با انفاق خود وضعش را اصلاح کردیم، هم دل او را از رذائلی که فقر در او ایجاد می‌کند، پاک کرده‌ایم و هم چراغ محبت را در دلش ایجاد نموده‌ایم و هم زبانش را به گفتن خوبی‌ها به راه انداخته‌ایم و هم او را در عملکردش

نشاط بخشیده‌ایم و این فواید عاید همه جامعه می‌شود؛ چون همه افراد جامعه به هم مربوط هستند؛ پس انفاق یک نفر، اصلاح حال هزاران نفر از افراد جامعه است و به‌ویژه اگر این انفاق در رفع نیازهای نوعی از قبیل تعلیم و تربیت و امثال آن باشد و وقتی انفاق در راه خدا و به انگیزه تحصیل رضای او باشد، زیاد شدن آن از لوازم تخلف‌ناپذیر آن خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۹۵-۵۹۶).

۲. «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُتَّقُونَ مِنْ خَيْرٍ فَلَا نَفْسُكُمْ وَمَا تُتَّقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُتَّقُونَ مِنْ خَيْرٍ يُوفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۲): هدایت آنان بر عهده تو نیست، بلکه خدا هرکس را بخواهد هدایت می‌کند و هر مالی که انفاق کنید به سود خود شماست؛ ولی [جز برای طلب خشنودی خدا انفاق مکنید و هر مالی را که انفاق کنید] پاداش آن [به‌طورکامل به شما داده خواهد شد و ستمی بر شما نخواهد رفت.

۳. «قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (سبأ: ۳۹): بگو در حقیقت پروردگار من است که روزی را برای هرکس از بندگانش که بخواهد گشاده یا برای او تنگ می‌گرداند و هرچه را انفاق کردید عوضش را او می‌دهد و او بهترین روزی‌دهندگان است.

۴. «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (نور: ۳۷-۳۸): مردانی هستند که تجارت و معامله، از یاد خدا و نمازخواندن و زکات‌دادن غافلشان نمی‌کند و از روزی که در اثنای آن روز دل‌ها و دیدگان زیرورو شود بیم دارند تا خدا بهتر از آنچه کردند پاداششان دهد و از کرم خویش افزونشان کند و خدا هرکه را بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد.

۵. زکات موجب ازدیاد مال می‌شود: «وَمَا آتَيْتُمْ مِّن رَّبًّا لَّيْرُبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» (روم: ۳۹): و آنچه از ربا می‌دهید تا مال مردم زیاد شود نزد خدا زیاد نمی‌شود و آنچه از زکات که برای رضای خدا می‌دهید زیاد می‌شود و زکات‌دهندگان مال خود را زیاد می‌کنند.

۶. آیه ۲۴۵ سوره بقره می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»: اگر مالی در راه خداوند خرج شود، خداوند متعال آن را دوچندان می‌کند.

البته این آیه به رفتار فردی دلالت دارد؛ ولی شاید بتوان آن را به جمع نیز سرایت داد. بر اساس نظر اکثر مفسران امامیه و اهل سنت مقصود از قرض در این آیه انفاق‌های واجب و مستحب است و به قرض‌الحسنه مصطلح دلالتی ندارد (حبیبیان، ۱۳۸۳، ص ۱۱).

کتاب **میزان‌الحکمه** روایاتی را با عنوان «نقش زکات در رشد دارایی‌ها» ذکر کرده است که در زیر به برخی از آنها پرداخته می‌شود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۱۹):

۱. «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لِرَجُلٍ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُتْرَى اللَّهُ مَا لَكَ فَرَكَّهُ» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۷،

ص ۱۸۸): هرگاه خواستی خداوند دارایی تو را زیاد کند، زکات آن را بپرداز.

۲. «الامام علی ﷺ: فرض الله ... الزَّكَاةَ تَسْبِيحًا لِلرُّزْقِ» (امام علی بن ابی طالب، ۱۴۱۴،

ص ۵۱۲): خداوند متعال زکات را واجب کرد تا سبب روزی باشد.

۳. «الامام الباقر ﷺ: الزَّكَاةُ تَزِيدُ فِي الرُّزْقِ» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۹۶): پرداخت زکات

روزی را زیاد می‌کند.

۴. «قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَضَعَ الزَّكَاةَ قُوْتًا لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيرًا لِأَمْوَالِكُمْ» (کلینی،

۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۹۸): امام کاظم ﷺ فرمودند: خداوند عزوجل زکات را به منظور تأمین

غذای تهیدستان و افزایش دارایی‌های شما وضع کرده است. همان‌گونه که از روایات

پیدا است زکات و صدقه هیچ‌گاه موجب کاهش مال نمی‌شود، چنانچه امام حسن ﷺ در

این‌باره می‌فرمایند: «مَا نَقَصَتْ زَكَاةٌ مِنْ مَالٍ قَطُّ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳، ص ۲۸): زکات

هرگز چیزی از مال کم نمی‌کند، [بلکه زکات موجب حفظ اموال و رشد و افزایش آن

خواهد بود]؛ همچنین پیامبر ﷺ در مورد صدقه می‌فرماید: «مَا نَقَصَ مَالٌ مِنْ صَدَقَةٍ» (شیخ

صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۸۱): هیچ مالی بر اثر صدقه‌دادن کم نشد.

در کتاب کافی نیز بابی در مورد اینکه صدقه سبب افزایش مال می‌شود آمده است:

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِنَّ الصَّدَقَةَ تَقْضِي الدَّيْنَ وَ تَخْلِفُ بِالْبِرْكَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴،

ص ۹): صدقه‌دادن قرض را ادا می‌کند و برکت برجای می‌گذارد.

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَصَدَّقُوا فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ فِي الْمَالِ كَثْرَةً وَ تَصَدَّقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ»

(همان): صدقه بر روزی و دارایی صدقه‌دهنده می‌افزاید؛ پس خدایتان رحمت کند صدقه

بدهید.

۳. «قال أبو عبد الله عليه السلام لمحمد ابنه يا بني كم فضل معك من تلك النفقة قال أربعون ديناراً قال أخرج فتصدق بها قال إنه لم يبق معي غيرها قال تصدق بها فإن الله عز وجل يخلفها أما علمت أن لكل شيءٍ مفتاحاً ومفتاح الرزق الصدقة فتصدق بها ففعل فما لبث أبو عبد الله ع عشرة أيام حتى جاءه من موضع أربعة آلاف دينار فقال يا بني أعطينا لله أربعين ديناراً فأعطانا الله أربعة آلاف ديناراً» (همان): امام صادق عليه السلام به فرزندش محمد فرمود: فرزندم از آن خرجی چقدر اضافه آمده است؟ عرض کرد چهل دینار؛ فرمود: برو و آنها را صدقه بده. عرض کرد فقط همین چهل دینار باقی مانده است. حضرت فرمود: آنها را صدقه بده؛ زیرا خدای عزوجل عوضش را می‌دهد؛ مگر نمی‌دانی که هر چیزی کلیدی دارد و کلید روزی صدقه است؛ پس آن چهل دینار را صدقه بده. محمد می‌گوید من این کار را کردم؛ ولی ده روز بیشتر بر / ابو عبد الله نگذشت که از جایی چهار هزار دینار به ایشان رسید.

۴. «عن أبي الحسن عليه السلام قال: استنزّلوا الرزق بالصدقة» (همان، ص ۱۰): روزی را با صدقه فرود آورید.

در حدیث دیگری امام علی عليه السلام در مورد نتیجه صدقه‌دادن به کامل می‌فرماید: «الصدقة تنمي عند الله تعالى» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۲۰۲): صدقه نزد خداوند رشد می‌کند. در نهج البلاغه نیز از آن حضرت نقل شده است که: «و قال عليه السلام إذا أملتكم فتاجرُوا الله بالصدقة» (امام علی بن ابی طالب، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۳): هرگاه نادار شدید، با کالای صدقه با خداوند تجارت کنید.

آیات و روایات مورد استناد برای رابطه انفاق با افزایش مال، ناظر به اموال شخص انفاق‌کننده است؛ درحالی‌که هدف مقاله اثبات رابطه انفاق اشخاص با افزایش تولید ناخالص ملی است؛ این دو گرچه تا حدودی به هم مرتبط هستند، ولی شاید اثبات دومی برای اثبات اولی کافی نباشد؛ به همین جهت برای اثبات مطلب دوم با استناد به این نصوص می‌توان این‌گونه توضیح داد که با فرض همگن بودن تمام خانوارهای مسلمان در رفتار انفاقی و مصرفی و استفاده از متدولوژی انتقال از منحنی‌های افراد به تابع کلان اقتصاد می‌توان از آیات ناظر به رشد اموال انفاق‌کننده برای افزایش تولید و درآمد کل بهره گرفت.

ب) تحلیل اقتصادی تأثیر انفاق بر رشد اقتصادی

در بخش قبلی از زبان آیات و روایات به این حقیقت اشاره شد که افزایش انفاق نه تنها موجب کاهش اموال در این دنیا نمی‌شود، بلکه آن را رشد و توسعه نیز می‌دهد؛ در این بخش از تحلیل اقتصادی برای تبیین این رابطه استفاده می‌شود؛ تقریباً در همه الگوهای رشد از نیروی کار و سرمایه به عنوان عوامل اثرگذار در تولید محصول نام برده شده است؛ افزایش انفاق در جامعه سبب افزایش اشتغال و سرمایه‌گذاری در سطح جامعه و در نتیجه رشد اقتصادی می‌گردد.

مشارکت‌های اجتماعی - از جمله انفاق - سبب افزایش سطح اشتغال می‌شود؛ چراکه مشارکت‌های اجتماعی اگر به شکل فعالیت‌های عام‌المنفعه مانند مدرسه‌سازی، پل‌سازی، بنای مساجد و بیمارستان‌ها و یا احداث مؤسسات تولیدی و وقف آنها صورت پذیرد به‌طور مستقیم اشتغال‌زا خواهد بود؛ ولی اگر به شکل کمک به فقرا انجام شود موجب گستردگی بازار و افزایش تقاضا می‌شود - چون کمک ثروتمندان به فقرا سبب افقی‌تر شدن منحنی تقاضای بازار شده، در نتیجه کشش قیمتی تقاضا افزایش پیدا کرده و کارایی بازار بیشتر تحقق پیدا می‌کند و شرایط بازار رقابتی‌تر می‌شود - و این امر افق سرمایه‌گذاری را روشن‌تر می‌کند و انگیزه لازم برای آن را فراهم می‌آورد. حرمت اتراف و لوکس‌گرایی نیز از طریق کاهش تقاضا برای کالاهای لوکس که بیشتر تکنولوژی سرمایه‌بر وارداتی، استفاده می‌کنند و ارتقای تقاضای کالاهای عادی و ضروری که بیشتر بر تکنولوژی بومی و کاربر متکی هستند، وضعیت اشتغال را بهبود می‌بخشد (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۹).

محمد ابراهیم السحیبانی نیز در کتاب تأثیر الزکاة علی الإستعمال الموارد الإقتصادية به تأثیر زکات بر عرضه کل از دو دیدگاه عرضه نیروی کار و عرضه سرمایه پرداخته است (منذر قحف، ۱۹۹۷)؛ از آنجاکه زکات یک نوع انفاق واجب است و صدقات و کمک‌های مردمی انفاق مستحب است از همین تحلیل‌های زیر می‌توان به عنوان آثار انفاق بر عرضه نیروی کار و سرمایه نیز بهره برد:

زکات به سبب تأثیر مثبتی که بر عرضه نیروی کار و سرمایه دارد پیوسته سبب افزایش تولید می‌شود؛ همچنین به خاطر تحریک اقتصاد در به‌کارگیری منابع اقتصادی در حال رشد به سبب تأثیر مثبتی که بر تقاضای کل دارد؛ یعنی همان‌طور که زکات در افزایش تولید در

اقتصاد از سوی افزایش عرضه عوامل اقتصادی مؤثر است، در همان زمان در افزایش تولید از سوی به‌کارگیری این منابع جدید نیز تأثیرگذار است؛ البته اثر اصلی زکات بر رشد از جانب مصرف فقرا به صورت مثبت و دائمی است؛ درحالی‌که اثر سرمایه‌گذاری احتمالی است و ممکن است مثبت و یا منفی باشد (همان، ص ۲۳۹).

بر اساس ادبیات اقتصادی هرچه ساختار بازار به شرط کارایی ($P=MC$) نزدیک‌تر باشد، همان‌طورکه در انفاق، بازار کارایی بیشتری پیدا می‌کند، تولید با مقدار بیشتر و قیمت کمتر صورت خواهد گرفت؛ همچنین هرچه سرمایه‌گذاری افزایش پیدا کند، رشد تولید نیز بیشتر خواهد شد؛ جنبه دیگری که تحلیل آن در رابطه با رشد اقتصادی دارای اهمیت است، افزایش مصرف کل است؛ البته در این رابطه باید بین دو مفهوم مصرف‌گرایی و مصرف تمایز قائل شویم: افزایش مصرف اگر به صورت زیاده‌روی و تجمل‌پرستی و وابستگی به مصرف کالاهای وارداتی و مصرف بیش از اقتضای امکانات تولیدی کشور باشد، مصرف‌گرایی نامیده می‌شود و به دلیل بدتر شدن وضعیت تراز پرداخت‌ها و هدر رفتن امکانات جامعه خاصیت ضد توسعه‌ای خواهد داشت؛ ولی اگر متناسب با تولید ملی و همراه با توزیع عادلانه درآمدها و به دور از اسراف و تبذیر صورت گیرد، موتور محرکه اقتصاد خواهد بود؛ بنابراین در الگوی تخصیص درآمد جامعه اسلامی، افزایش مصرف گروه‌های کم‌درآمد جامعه که نیروی کار را در خود جای داده‌اند، سبب بهبود وضعیت تغذیه، بهداشت و رفاه نیروی کار و در نتیجه افزایش بهره‌وری آنها شده و افزایش بهره‌وری نیز رشد تولید را به دنبال خواهد داشت (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۴)؛ مطالعات تجربی نیز درستی این فرضیه را ثابت کرده‌اند: «وقتی مصرف افزایش می‌یابد، از طریق افزایش بهره‌وری قشر کم‌درآمد، تولید گسترش می‌یابد؛ از جمله این مطالعات، بررسی‌های «هیکس» در چند کشور در حال توسعه است» (پروین، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۰۹).

یوسف (Yusoff, 2009, pp.5-7 & 19-24) در مقاله «تحلیل اقتصادی مخارج زکات و درآمد واقعی» نیز معتقد است افزایش مصرف فقرا در جامعه از طریق ضریب تکاثر، درآمد ملی را افزایش می‌دهد؛ وی با استفاده از الگوی کینزی به استخراج این رابطه پرداخته و رابطه زیر را استخراج نموده است:

$$\frac{\partial Y}{\partial Gz} = (cz - c1) / (1 - \alpha c1 - \beta cz) > 0 \quad (1)$$

که در آن Y درآمد ملی، α و β نسبت Y_1 و Y_2 به درآمد ملی و یا به طور ساده تر توزیع درآمد بین دو گروه هستند؛ c_z میل نهایی به مصرف دریافت کنندگان زکات و c_1 میل نهایی به مصرف زکات دهندگان است؛ G_z مقدار مخارج زکات است.

اگر $c_z > c_1$ آن گاه $(c_z - c_1) > 0$ ؛ بنابراین ضریب تکاثر زکات مثبت خواهد بود و این نکته را یادآوری می کند که افزایش در جمع آوری زکات و خرج شدن از سوی فقرا سبب می شود فعالیت های اقتصادی افزایش یابد؛ در این مورد، اثر افزایش زکات بستگی مهم تری به تفاضل میان میل نهایی به مصرف توسط زکات دهندگان (c_1) و دریافت کنندگان زکات (c_z) دارد؛ هرچه c_z بالاتر و c_1 پایین تر باشد، ضریب تکاثر بیشتر خواهد شد و در نتیجه اثر زکات در فعالیت های اقتصادی مؤثرتر خواهد بود.

گفتنی است با افزایش درآمد یک دوره چون مخارج و از جمله صدقات تابعی از درآمد همان دوره می باشد، صدقات افزایش می یابد؛ ولی با افزایش صدقات در این دوره تولید و درآمد کل در دوره بعد افزایش می یابد که دوباره موجب افزایش صدقات می شود؛ پس در یک دوره رابطه علیت از سوی درآمد به سوی صدقات است.

۳. روش پژوهش و تصریح الگو

هنگامی که می خواهیم رفتار چند متغیر سری زمانی را مورد بررسی قرار دهیم، لازم است به ارتباط های متقابل این متغیرها در قالب یک الگوی سیستم معادلات همزمان توجه کنیم؛ اگر معادلات یک الگوی ساختاری شامل متغیرهای با وقفه نیز باشد، اصطلاحاً آن را الگوی سیستم معادلات همزمان پویا می نامند؛ در چنین الگویی برخی از متغیرها درونزا تلقی می شوند و تعدادی نیز برونزا یا از پیش تعیین شده (برونزا به علاوه درونزاهای با وقفه) هستند. رویکرد معادلات ساختاری برای مدل سازی سری های زمانی، از نظریه اقتصادی به منظور مدل سازی روابط میان متغیرها استفاده می کند؛ ولی متأسفانه نظریه اقتصادی در بیشتر موارد استغنای کافی برای یک تصریح پویا که بتواند تمامی این روابط را شناسایی کند، ندارد؛ علاوه بر این، وقتی متغیرهای درونزا در دو طرف معادلات ظاهر می شوند، کار تخمین و استنباط از نتایج را مشکل می سازند. مهم ترین انتقاد از الگوهای ساختاری، محدودیت های غیر معتبری - مانند محدودیت های صفر - می باشد که روی پارامترهای الگو

به منظور دستیابی به شناسایی وضع می‌گردد؛ در واقع نظریه‌های اقتصادی اطلاعاتی در خصوص پارامترهای روابط کوتاه‌مدت یا پویایی‌های الگو ارائه نمی‌دهند؛ معمولاً نظریه‌ها، روابط بلندمدت یا ایستا میان متغیرها را مشخص می‌سازند.

سیمز (Sims, 1980) می‌گوید هنگام استفاده از الگوی سیستم معادلات همزمان پویا (انتخاب محدودیت‌ها) در تصریح معادلات ساختاری همزمان، قواعد سرانگشتی و قضاوت‌های کارشناسی جایگزین نظریه‌های اقتصادی کلاسیک مبنی بر بهینه‌یابی آحاد اقتصادی می‌گردد؛ به علاوه طبقه‌بندی متغیرها به درون‌زا و برون‌زا اختیاری و غیر قابل قبول است؛ این نوع طبقه‌بندی بازخورد میان متغیرها را لحاظ نکرده و منجر به تخمین نادرست ضرایب می‌گردد؛ این مشکلات، اقتصاددانان سنجی را بر آن داشت که از رویکرد غیرساختاری برای مدل‌سازی روابط بین چند متغیر سری زمانی استفاده نمایند؛ یکی از این رویکردها، رویکرد خودتوضیح برداری می‌باشد؛ رویکرد خودتوضیح برداری به وسیله سیمز در سال‌های ۱۹۷۲، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۲ به عنوان جایگزینی برای الگوهای کلان‌سنجی معرفی گردید.

الگوی خودتوضیح برداری، بر اساس روابط تجربی که بین داده‌ها نهفته است، پایه‌گذاری شده و به صورت فرم خلاصه‌شده سیستم معادلات همزمان مدنظر قرار می‌گیرند که هر کدام از متغیرهای درون‌زا روی وقفه‌های خود و وقفه‌های متغیرهای دیگر در سیستم تخمین زده می‌شود. استفاده از الگوهای خودتوضیح برداری به دلیل استفاده از متغیرهای کمتر نسبت به دیگر مدل‌های اقتصادسنجی بسیار مفید می‌باشد؛ چنین مدل‌هایی به‌سادگی ساخته شده و در استفاده از آنها نیازی به اطلاعات قبلی در خصوص روابط علی میان متغیرها نیست؛ افزون بر این در بسیار از موارد که پیش‌بینی یک سری زمانی با استفاده از مدل ساختاری، غیر ممکن یا دشوار است، الگوی خودتوضیح برداری می‌تواند بسیار مفید باشد؛ به‌طورکلی مدل‌های الگوهای خودتوضیح برداری با استفاده از ساختار پویای داده‌ها، در تجزیه و تحلیل روابط پویای متغیرها نتایج بهتری ارائه می‌دهند؛ بنابراین در این رویکرد نیازی به تشریح چارچوب نظری نمی‌باشد؛ به‌ویژه زمانی که اطلاعات دقیقی از چگونگی کارکرد فرایند دنیای واقعی یا عوامل تعیین‌کننده متغیرهای الگو وجود ندارد، استفاده از الگوهای خودتوضیح برداری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد؛ در این رویکرد از نظریه و

دانش قبلی پژوهشگر تنها برای تعیین متغیرهایی که باید وارد الگو شود استفاده می‌گردد (رضوی و سلیمی‌فر، ۱۳۹۲، ص ۱۶).

به منظور شناخت اثر متقابل بین متغیرها و همچنین علّیت آنها از الگوی خودتوضیح برداری (VAR) مبتنی بر متغیرهای پایا یا پایاشده استفاده می‌شود؛ شرط استفاده از الگوی VAR وجود نداشتن بردار هم‌جمعی میان متغیرهاست؛ در صورتی که هیچ بردار هم‌جمعی وجود نداشته باشد، می‌توان از الگوی VAR برای آزمون علّیت گرنجری استفاده نمود. باید توجه داشت که نخستین گام در تخمین مدل‌های VAR، تعیین تعداد وقفه بهینه است؛ به طوری که نتایج آزمون علّیت گرنجر نسبت به انتخاب طول وقفه بسیار حساس می‌باشد؛ به گونه‌ای که اگر طول وقفه انتخابی کمتر از طول وقفه واقعی باشد، حذف وقفه‌های صحیح سبب به وجود آمدن اریب در نتایج خواهد شد و اگر طول وقفه انتخابی بیشتر از طول وقفه واقعی باشد، وقفه‌های اضافی در مدل خودتوضیح برداری، سبب ناکارایی تخمین‌ها شده و معمولاً وقفه‌های بالاتر متغیرها از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌شوند؛ بنابراین در این بررسی با توجه به حداقل معیارهایی همچون آکائیک، شوارز-بیزین و حنان کوئین تعداد وقفه‌های بهینه متغیرها تعیین می‌گردد.

برای بررسی ارتباط علی بین دو متغیر، از مدل‌های علی استفاده می‌شود؛ مشهورترین آزمون علّیت در ادبیات اقتصادسنجی آزمون علّیت گرنجر است؛ گرنجر (Granger, 1969) از این واقعیت که آینده نمی‌تواند علت گذشته باشد، استفاده کرده و چنین عنوان می‌کند که اگر مقادیر جاری Y_t را بتوان با استفاده از مقادیر گذشته X_t با دقت بیشتری نسبت به حالتی که از مقادیر گذشته X_t استفاده نمی‌شود، پیش‌بینی نمود، در این صورت X_t را علت گرنجری Y_t می‌گویند؛ در آزمون علّیت گرنجری، برای آزمون این فرضیه که X_t علت گرنجری Y_t نیست، یک مدل VAR به شکل زیر تشکیل داده می‌شود:

$$Y_t = \sum_{i=1}^k \alpha_i Y_{t-i} + \sum_{i=1}^k \beta_i X_{t-i} + U_t \quad (2)$$

اگر برای $i = 1, 2, \dots, k$ ضرایب β_i ها برابر صفر باشند، X_t علت گرنجری Y_t نیست. در این آزمون طول وقفه k تا حدودی انتخابی است. در مطالعه پیش رو جهت بررسی رابطه علّیت بین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و لگاریتم جمع کل درآمدهای

اختصاصی و وجوهات کمیته امداد به عنوان شاخصی از انفاق از الگوی زیر استفاده می‌شود:

$$Grrgdp_t = \alpha + \gamma \sum_{j=1}^n Lrtps_{t-j} + \varepsilon_{1t} \quad (۳)$$

$$Lrtps_t = \beta + \lambda \sum_{j=1}^n Grrgdp_{t-j} + \varepsilon_{2t} \quad (۴)$$

که در آن:

$Grrgdp_t$ نشان‌دهنده نرخ رشد تولید ناخالص داخلی اقتصاد ایران به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ در زمان t م.

$Lrtps_t$ نشان‌دهنده لگاریتم جمع کل واقعی درآمدهای اختصاصی و وجوهات کمیته امداد* در زمان t م به عنوان شاخص انفاق. $\varepsilon_{1t}, \varepsilon_{2t}$ بیانگر جزء اخلال دو معادله می‌باشند.

بر اساس مبانی نظری که در بخش قبلی بیان شد، انفاق و صدقات مردمی و رشد اقتصادی با یکدیگر مرتبط هستند؛ در این راستا باید نحوه و جهت این رابطه مورد بررسی قرار گیرد که این مسئله می‌تواند بر اساس مدل‌ها و تکنیک‌های اقتصادسنجی صورت گیرد. همان‌طور که بیان شد این مقاله متناسب با متغیرها و ادبیات موضوع خود رویکرد خودتوضیح برداری را انتخاب کرده است؛ در قالب این رویکرد می‌توان ارتباط علی دوطرفه یا یک‌طرفه یا وجودداشتن علیت را میان متغیرهای اصلی این تحقیق بررسی نمود.

از آنجایی که اقتصاد ایران در سالیان گذشته همواره با تورم نسبتاً بالا و حتی دورقمی مواجه بوده است و ارقام درآمدهای اختصاصی و وجوهات بدون در نظر گرفتن اثر تورم و صرفاً حجم منابع مالی جمع‌آوری شده محاسبه شده است، در مقاله پیش رو نخست شاخص تعدیل‌کننده GDP برای دوره زمانی مورد مطالعه محاسبه شده و سپس متغیر جمع

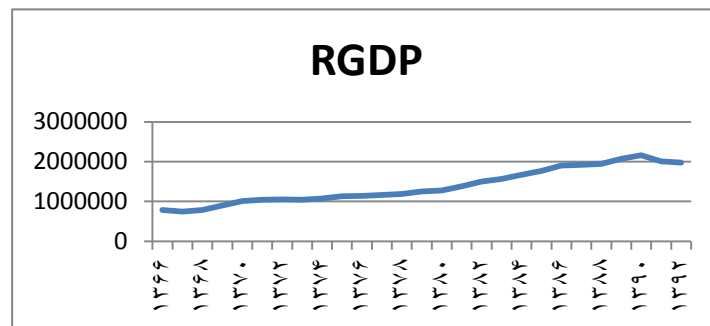
* درآمدهای اختصاصی به کلیه درآمدهای کمیته امداد مانند کمک‌های مردمی و صدقات، وجوهات شرعی و امانی (نظیر کمک به ایتم، کمک به زلزله‌زدگان، درآمد جشن‌ها نظیر جشن عاطفه‌ها، جشن نیکوکاری، کفارات، زکوات و سهم‌السادات)، هدایا و نذورات عید قربان، کمک‌های مؤسسات و سازمان‌ها، کمک‌های خیریه، درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی به جز اعتبارات و بودجه‌های دولتی اطلاق می‌گردد.

کل درآمدهای اختصاصی و وجوهات بر آن تقسیم شده تا ماهیت یک متغیر واقعی را پیدا کند؛ همچنین به جهت متوازن‌سازی متغیرهای مدل، از این متغیر لگاریتم نیز گرفته می‌شود. تمامی سری‌های مورد نیاز برای محاسبه این متغیرها از وب‌سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سالنامه‌های آماری کمیته امداد امام خمینی علیه السلام جمع‌آوری شده است.

۴. تجزیه و تحلیل نتایج الگو

شایسته است پیش از تجزیه و تحلیل مدل و یافته‌های پژوهش، روند متغیرهای اصلی مقاله به صورت مختصر و در قالب نمودار بررسی شود؛ همان‌طورکه نمودار یک نشان می‌دهد تولید ناخالص داخلی واقعی طی دوره ۱۳۶۶-۱۳۹۲ با شیب ملایم روندی صعودی داشته است؛ هر چند که نوسانات اندکی نیز طی این دوره داشته است؛ شیب صعودی این روند در دهه هشتاد بیشتر شده است؛ ولی در پی تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی بر اقتصاد ایران از سال ۱۳۸۹ روند تولید ناخالص داخلی کاهش داشته است.

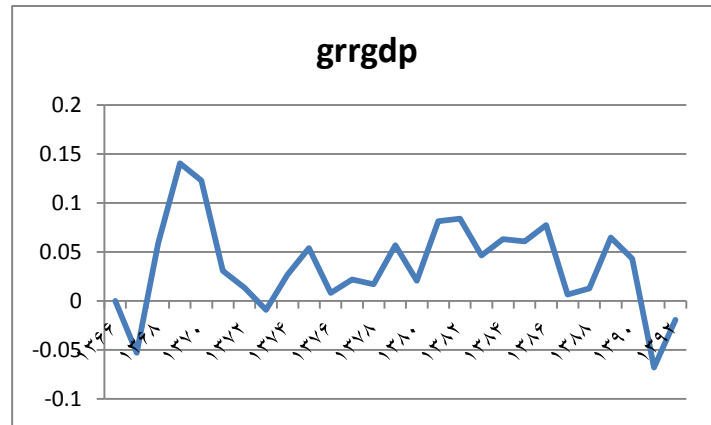
نمودار ۱: روند تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه ۱۳۸۳ (GDP)



منبع: یافته پژوهش.

در نمودار دو روند نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ آمده است؛ همان‌طورکه در نمودار مشاهده می‌شود این نرخ با نوسانات فراوانی بین حداکثر چهارده درصد در سال ۱۳۶۹ و حداقل ۶.۷- در سال ۱۳۹۱ همراه بوده است؛ با صرف‌نظر از این دو حالت حدی، بیشترین فراوانی نرخ رشد تولید حوالی نرخ پنج درصد مشاهده شده است.

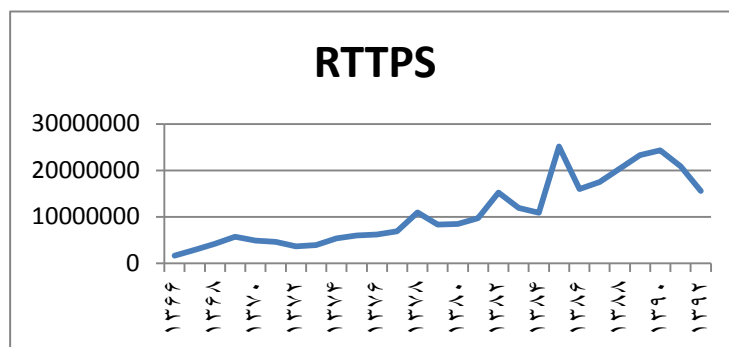
نمودار ۲: روند نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه ۱۳۸۳ (GRRGDP)



منبع: یافته پژوهش.

در نمودار سه روند متغیر جمع کل درآمدهای اختصاصی و وجوهای واقعی کمیته امداد امام خمینی علیه السلام که شاخصی از انفاق است، طی دوره ۱۳۶۶-۱۳۹۲ نشان داده شده است؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود روند کلی این متغیر در تمام سال‌ها دارای نوسانات و افت‌وخیزهای فراوانی بوده است؛ درحالی‌که روند کلی صعودی بوده است؛ ولی مقارن چهار سال ۱۳۷۸، ۱۳۸۲، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ یک افزایش و سپس کاهش پرشیب اتفاق افتاده است؛ در سال ۱۳۹۲ نیز همانند سایر متغیرهای اقتصاد این متغیر روند نزولی را طی کرده است.

نمودار ۳: روند جمع کل درآمدهای اختصاصی و وجوهای واقعی (RTTSP)



منبع: یافته پژوهش.

الف) آزمون ریشه واحد داده‌ها

متغیرهای پایا و ناپایا می‌توانند تأثیر جدی بر رفتار و ویژگی‌های یک سری زمانی داشته باشند؛ هنگامی که شوکی به یک سری زمانی پایا وارد می‌شود، اثرات آن بر متغیر مدنظر میراست و به تدریج از بین می‌رود؛ یعنی اثر شوک، در زمان $t+1$ کمتر از زمان t می‌باشد؛ در مقابل، داده‌های ناپایا به‌گونه‌ای هستند که اثر شوک‌های واردشده، ماندگار و همیشگی است، به‌طوری‌که برای یک سری ناپایا، اثر یک شوک در زمان $t+1$ کمتر از اثر آن در زمان t نخواهد بود. استفاده از داده‌های ناپایا می‌تواند منجر به رگرسیون‌های کاذب شود. اگر دو متغیر دارای روند زمانی بوده و هیچ ارتباط منطقی با هم نداشته باشند، رگرسیون یکی روی دیگری، دارای R^2 بالایی خواهد بود؛ بنابراین در چنین شرایطی روش‌های رگرسیون استاندارد منجر به یک رگرسیون با ظاهری خوب می‌شود که همه ضرایب آن معنی‌دار بوده و دارای R^2 بالا خواهد بود؛ ولی در اصل یک رگرسیون کاذب (Spurious Regression) است؛ به‌طور خلاصه می‌توان چنین گفت که یک سری زمانی هنگامی پایاست که میانگین، واریانس، کوواریانس و ضریب همبستگی آن در طول زمان ثابت باقی بماند و مهم نباشد که در چه مقطعی از زمان شاخص‌ها محاسبه می‌شود (عباسی‌نژاد، ۱۳۹۲، ص ۱۷۵).

در مقاله پیش رو همان‌طور که جدول یک نشان می‌دهد احتمال آزمون دیکی - فولر تعمیم‌یافته (ADF) اندازه‌گیری شده است؛ مقادیر به‌دست‌آمده برای متغیر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ (GRRGDP) در سطح برای این آزمون نشان می‌دهد که این متغیر در سطح پایاست؛ در نتیجه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ هم‌جمع از درجه صفر یا $I(0)$ است؛ متغیر لگاریتم جمع کل درآمدهای اختصاصی و وجوهات (LRTTTPS) نیز همانند متغیر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی پایا شده است؛ این متغیر نیز هم‌جمع از درجه صفر یا $I(0)$ است؛ با توجه به اینکه تمامی متغیرهای تحقیق پایا هستند، برای انجام آزمون علیت ابتدا معیارهای تعیین وقفه بهینه بررسی می‌شود.

جدول ۱: نتایج آزمون ریشه واحد متغیرهای تحقیق

متغیرها	آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته			وضعیت
	احتمال ADF	مقدار بحرانی ٪۱	مقدار بحرانی ٪۱۰	
GRRGDP	۰/۰۱۳	-۳/۷۲۴	-۲/۶۳۲	I(0)
LRTTPS	۰/۰۳۸	-۳/۷۳۷	-۲/۶۳۵	I(0)

منبع: یافته‌های پژوهش.

ب) تعیین تعداد وقفه بهینه الگو

پس از بررسی پایایی متغیرها، تعیین وقفه بهینه جهت برآورد الگوی خودتوضیح برداری و آزمون علیت مسئله مهمی به شمار می‌رود، به‌ویژه در مواردی که تعداد مشاهده‌ها محدود باشد در انتخاب وقفه بهینه باید دقت کرد؛ چون با توجه به محدود بودن تعداد مشاهده‌ها درجات آزادی زیادی از دست می‌رود؛ بنابراین باید بزرگ‌ترین مرتبه انتخاب شود تا جزء اختلال معادلات تا حد امکان دچار همبستگی نشوند و پارامترهای تخمینی بیش از حد درجه آزادی از دست ندهند؛ برای تعیین این تعداد وقفه می‌توان از معیارهای آکائیک، شوارز، حنان - کوئین و نسبت درست‌نمایی استفاده کرد؛ برای به‌دست‌آوردن این معیارها ابتدا مدل VAR بر اساس یک وقفه اختیاری برآورد می‌شود و سپس جدول زیر که آماره‌های هر یک از معیارهای ذکر شده، قابل دسترسی خواهد بود.

جدول ۲: تعیین تعداد وقفه بهینه الگو

Lag	LR	FPE	AIC	SB	HQ
۰	NA	۰/۰۰۰۲۴	-۲/۶۵۷۲	-۲/۵۵۸۵	-۲/۶۳۲۴
۱	۳۹/۳۴۳۵*	۴/۷۸e-۰۵*	-۴/۲۷۶۶*	-۳/۹۸۰۴*	-۴/۲۰۲۱*
۲	۳/۲۰۶۴	۵/۷۲e-۰۵	-۴/۱۰۶۹	-۳/۶۱۳۲	-۳/۹۸۲۷
۳	۰/۴۴۳۶	۸/۰۹e-۰۵	-۳/۷۸۶۸	-۳/۰۹۵۷	-۳/۶۱۳۱

منبع: یافته‌های پژوهش (LR: نسبت درست‌نمایی، HQ: معیار حنان کوئین، SB: معیار

شوارز، FPF: خطای پیش‌بینی، AIC: معیار آکائیک و علامت ستاره نشان‌دهنده وقفه بهینه است).

همان‌طورکه در جدول دو مشاهده می‌شود، مقدار آماره‌ها برای وقفه‌های صفر تا سه ارائه شده است. علامت ستاره نشان‌دهنده وقفه بهینه بر اساس معیار مورد نظر است؛ تمامی معیارها نشان می‌دهند که وقفه یک وقفه بهینه برای این مدل می‌باشد.

ج) آزمون علّیت گرنجر VAR

به منظور بررسی رابطه علّیت و اینکه آیا می‌توان متغیرهای درون‌زای مدل VAR را به صورت برون‌زا در نظر گرفت، از آزمون علّیت گرنجر VAR استفاده می‌شود؛ آماره کای-دو والد این آزمون برای هر معادله در مدل VAR معنی‌داری مشترک متغیرهای با وقفه درون‌زا را در آن معادله ارائه می‌دهد؛ فرضیه صفر در هر یک از معادله‌های VAR بیان می‌کند که ضرایب متغیرهای درون‌زا در آن معادله صفر است و متغیرهای درون‌زا معنی‌دار نمی‌باشند و فرضیه مخالف نشان‌دهنده اثر معنی‌داری متغیرهای درون‌زا در هر معادله است (تشکینی، ۱۳۸۴)؛ به بیان دیگر فرضیه صفر هر آزمون نشان‌دهنده وجودنداشتن رابطه علّیت میان آن متغیر و متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. آزمون علّیت گرنجر VAR بین متغیرهای تحقیق همان‌طورکه در جدول چهار نشان داده شده است بررسی شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون علّیت گرنجر VAR

متغیر وابسته: GRRGDP			متغیر وابسته: LRTPS		
Excluded	Chi-sq	Prob	Excluded	Chi-sq	Prob
LRTPS	۸/۳۵۳	۰/۰۰۳۸	GRRGDP	۸/۵۲۱	۰/۰۰۳۵
All	۸/۳۵۳	۰/۰۰۳۸	All	۸/۵۲۱	۰/۰۰۳۵

منبع: یافته‌های تحقیق.

همان‌طورکه جدول چهار نشان می‌دهد در این آزمون برای هر دو متغیر الگوی خودتوضیح برداری رابطه علّیت بررسی شده است؛ در حالت اول نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی (GRRGDP) متغیر وابسته است و فرضیه وجودنداشتن رابطه علّیت با متغیر لگاریتم جمع کل درآمدهای اختصاصی و وجوهات (LRTTPS) با احتمال ۰/۰۰۳۸ رد می‌شود و همین نتایج در کل نیز تأیید شده و نشان می‌دهد که هر دو متغیر مدل رابطه علّیت دارند؛ در حالت دوم متغیر لگاریتم جمع کل درآمدهای اختصاصی و وجوهات (LRTTPS) متغیر وابسته است و فرضیه وجودنداشتن علّیت با احتمال ۰/۰۰۳۵ با نرخ

رشد تولید ناخالص داخلی واقعی تأیید می‌شود؛ بنابراین فرضیه اصلی مقاله یعنی وجود یک رابطه دوطرفه علی میان نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۸۳ و لگاریتم جمع کل درآمدهای اختصاصی و وجوهات که شاخصی برای انفاق است، از طریق آزمون علیت گرنجر VAR اثبات می‌شود.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف از مقاله پیش رو این بود که ارتباط میان رشد اقتصادی و انفاق بررسی شود. آیات و روایات زیادی به رابطه مثبت این دو متغیر اشاره کرده‌اند؛ از لحاظ اقتصادی نیز کمک به فقرا موجب گستردگی بازار و افزایش تقاضا می‌شود؛ چون کمک ثروتمندان به فقرا سبب افقی‌تر شدن منحنی تقاضای بازار می‌شود و در نتیجه کشش قیمتی تقاضا افزایش پیدا کرده و کارایی بازار بیشتر تحقق پیدا می‌کند و در این صورت شرایط بازار رقابتی‌تر می‌شود و این نیز افق سرمایه‌گذاری را روشن‌تر کرده و انگیزه لازم برای آن را فراهم می‌آورد؛ از سوی دیگر افزایش مصرف گروه‌های کم‌درآمد جامعه که نیروی کار را در خود جای داده‌اند، سبب بهبود وضعیت تغذیه، بهداشت و رفاه نیروی کار و در نتیجه افزایش بهره‌وری آنها شده و افزایش بهره‌وری نیز رشد تولید را به دنبال خواهد داشت.

در این مقاله به بررسی متغیر انفاق و صدقات مردمی با رشد اقتصادی با استفاده از مدل خودتوضیح برداری (VAR) پرداخته شد؛ بر این اساس با استفاده از داده‌های آماری مربوط به دوره ۱۳۶۶-۱۳۹۲ و با استفاده از آزمون علیت گرنجر این رابطه بررسی شد و نتایج زیر به دست آمد:

۱. بر اساس آزمون ریشه واحد دیکی- فولر تعمیم‌یافته هر دو متغیر این مقاله پایا شدند؛ همچنین تعداد وقفه یک برای این الگوی خودتوضیح برداری به عنوان وقفه بهینه انتخاب شده است.

۲. در این مقاله، آزمون علیت برای هر دو متغیر الگوی خودتوضیح برداری بررسی شده است؛ در حالت اول نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی (GRRGDP) متغیر وابسته است و فرضیه وجودنداشتن رابطه علیت با متغیر لگاریتم جمع کل درآمدهای اختصاصی و وجوهات (LRTTPS) با احتمال ۰/۰۰۳۸ رد می‌شود و همین نتایج در کل نیز تأیید شده و

نشان می‌دهد که هر دو متغیر مدل رابطه علیت دارند؛ در حالت دوم متغیر لگاریتم جمع کل درآمدهای اختصاصی و وجوهات (LRTTPS) متغیر وابسته است و فرضیه وجودنداشتن علیت با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی با احتمال ۰/۰۰۳۵ تأیید می‌شود؛ بنابراین فرضیه اصلی مقاله یعنی وجود یک رابطه دوطرفه علی میان نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۸۳ و لگاریتم جمع کل درآمدهای اختصاصی و وجوهات که شاخصی برای انفاق است، از طریق آزمون علیت گرنجر VAR اثبات می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمدبن علی؛ من لا یحضره الفقیه؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۲. پروین، سهیلا؛ مجموعه مقالات گردهمایی مسئله فقر و فقرزدایی؛ مقاله توزیع درآمد و تداوم رشد، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵.
۳. تشکینی، احمد؛ اقتصاد سنجی کاربردی به کمک مایکروفیت؛ تهران: نورعلم، ۱۳۹۳.
۴. جلال‌آبادی، اسدالله و جاوید بهرامی؛ «عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی در گروه کشورهای مختلف (رویکردی نو به عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی)»؛ فصلنامه اقتصاد مقداری، ش ۲۴، ۱۳۸۹.
۵. چاوش پور نطنزی، مهدیه؛ تحلیل و برآورد تابع تقاضای برق خانگی استان اصفهان با نگاهی بر تأثیر اجرای طرح هدفمندکردن یارانه‌ها؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، اصفهان: دانشگاه پیام نور مرکز اصفهان، ۱۳۹۴.
۶. حبیبیان نقیبی، مجید؛ «قرض الحسنه، نگرشی تفسیری - روایی»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۴، ش ۱۶، ۱۳۸۳.
۷. حسینی، سیدرضا؛ الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان؛ تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹.
۸. خادم‌علیزاده، امیر؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی؛ قم: دفتر نشر

- معارف، ۱۳۹۲.
۹. خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی؛ تهران: انتشارات دوستان، ۱۳۷۷.
۱۰. درخشان، مرتضی و خدیجه نصراللهی؛ «تحلیل اثر توسعه بخش سوم اقتصاد بر شاخص‌های اقتصادی و راهکارهای توسعه آن در ایران»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۱۴، ش ۵۵، ۱۳۹۳.
۱۱. رضوی، سیدعبدالله و مصطفی سلیمی‌فر؛ «اثر جهانی شدن اقتصاد بر رشد اقتصادی با استفاده از روش خود توضیحی برداری»؛ فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، س ۴، ش ۱۲، ۱۳۹۲.
۱۲. زحیلی، وهبة‌بن‌مصطفی؛ التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج؛ ج ۲، بیروت - دمشق: دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.
۱۳. زید، شارل و شارل ریست؛ تاریخ عقاید اقتصادی؛ ترجمه کریم سنجابی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۱۴. شریف‌الرضی، محمدبن‌حسین؛ نهج‌البلاغه (للسبیحی صالح)؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۱۶. طوسی، محمدبن‌الحسن؛ الأمالی؛ قم: دارالتقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۷. عباسی نژاد، حسین؛ اقتصادسنجی کاربردی با نرم افزارهای Eviews و Microfit؛ تهران: نشر نور علم، ۱۳۹۲.
۱۸. قحف، منذر؛ اقتصادیات الزکاة؛ جده: المعهد الاسلامی للبحوث و التدريب، البنك الاسلامی للتنمیة، ۱۹۹۷م.
۱۹. قرشی، سیدعلی‌اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دار الکتب اسلامیة، ۱۳۶۱.
۲۰. کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ الکافی؛ چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۲۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۲. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمة؛ ترجمه حمیدرضا شیخی؛ قم: مؤسسه

علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۶۲.

۲۳. مهرگان، نادر و لیلی سلطانی صحت؛ «مخارج تحقیق و توسعه و رشد بهره‌وری کل عوامل تولید بخش صنعت»؛ فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، س ۲، ش ۵، ۱۳۹۳.

۲۴. نوری، حسین بن محمد تقی؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام، ۱۴۰۸ق.

25. Baruch Lev, Christine Petrovits & Suresh Radhakrishnanis; "Doing Good Good For You? How Corporate Charitable Contributions Enhance Revenue Growth"; **Strategic Management Journal**, Strat. Mgmt. J., 31, 2010.
26. Granger, C. W. J.; "Investigating causal relations by econometric models and cross-spectral methods"; **Econometrica** , Vol. 37, 1969.
27. Heinemann, Friedrich; "Voluntary Giving and Economic Growth: Time Series Evidence for the US"; **Centre for European Economic Research (ZEW)**, 2010.
28. Khadem Alizadeh, A., Monjazez M.R. & Babaei, M.H; "Religious Capital Impact on Economic Growth in Iran in the Period of (1986-2011)"; **International Review of Management and Business Research**, Vol. 4 Issue.1, 2015(1394).
29. Metwally, M.M.; "Fiscal Policy in Islamic Economy"; in Ahmed, Z. et al.(Eds.), Fiscal Policy and Resource Allocation in Islam, **International Centre for Research in Islamic Economics**, King Abdul Aziz University, Jeddah, Saudi Arabia , 1983.
30. Mohammed B. Yusoff; "An Analysis of Zakat Expenditure and Real Output: Theory and Empirical Evidence"; **The International**

Conference on Islamic Economics and Economies of the OIC Countries 2009.

31. Romer David; **Advanced Macroeconomics**; Mc Graw- Hill, 2006.
32. Schwartz, Robert A.; "Personal Philanthropic Contributions", **Journal of political Economy**, Vol.78, Issue 6, 1970.
33. Tahir, Sayyid; "Toward a Theory of Aggregate Output, Income, and Economic Inequalities Determination in an Islamic Economy"; **Journal of Islamic Economics** (IIUM Journal of Economics & Management), Vol. 2, No. 2, 1989.